

نقد زبان و ادبیات خارجی

Critical Language & Literary Studies

تایید: ۹۱/۱/۲۴

«۱۳۷-۱۳۸»

ریافت: ۹۰/۱۱/۱۵

گی دو مویاسان^۱ و دانش پزشکی

محمدرضا فارسیان^۲

مهشید جعفرزاده باکویی^۳

چکیده

گی دو مویاسان یکی از بزرگترین نویسندگان قرن نوزدهم فرانسه است که با نوشتن بیش از سیصد داستان کوتاه به عنوان "پدر داستان کوتاه" شناخته می‌شود. وی علاوه بر توصیفات زیبا در آثار خود به بیماری‌ها و تاثیرات خاص آن بر روی اشخاص مختلف بسیار اشاره کرده است. در این نوشتار به بررسی بیماری‌های جسمی و روحی روانی قهرمانان چند داستان از این نویسنده و تاثیرات این اختلالات بر شخص و جامعه می‌پردازیم. امید است بررسی داستانهایی از این دست گامی باشد در جهت شناخت بیشتر و آشنایی هر چه بهتر با سبک داستان نویسی و آثار این نویسنده.

کلید واژه‌ها: ادبیات فرانسه، مویاسان، داستان کوتاه، پزشکی و بیماری‌ها.

دوره پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۱

1. Guy de Maupassant

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

Farsian_mr@yahoo.fr

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

Mahsid_jafarzadeh@yahoo.com

مقدمه

از ابتدایی‌ترین دوران، همه‌ی انسان‌ها با مشکلات مختلفی همچون بیماری و مرگ روبه‌رو بودند. حتی برخی از آنان بر این عقیده بودند که بیماری‌ها از سحر و جادوی جادوگران یا از سرچشمه‌های مافوق طبیعی به وجود می‌آیند. منشا تاریخ این علم را می‌توان با پیدایش انسان همزمان دانست. در ابتدا پزشکی و دامپزشکی، با هم شکل گرفت و پا به پای هم پیش می‌رفت و اغلب توسط یک فرد انجام می‌گرفت. کسانی که دانش یا تجربه بیشتری داشتند به عنوان بزرگ، کاهن یا موبد تلقی می‌شدند و همواره سعی می‌کردند کارهای پزشکی را انجام دهند. از آنجا که پزشکی و دامپزشکی از علوم مورد نیاز بشر بود، اولین بررسی‌ها در این راه انجام گرفت و پیشرفت آن نیز نسبت به سایر علوم بسیار بیشتر بوده است.

دانشمندان رشته‌ی پزشکی را شاخه‌ای از علوم تجربی می‌دانند که به مطالعه، شناخت بیماری‌ها و راههای درمان آن می‌پردازد. تاثیر شگرف جوامع اسلامی و ارتودوکس بر پزشکی غرب (به خصوص با انتشار کتاب بزرگ قانون، ابوعلی سینا) به ویژه در قرون وسطی بسیار مشهود بود. البته در سیر تکامل علم پزشکی، نباید نقش علمی همچون فیزیک و شیمی را نادیده گرفت. زیرا تحول مهمی را در نظریه‌های علمی به وجود آوردند. پیشرفت این علوم راه جدیدی را بر مطالعه‌ی بیماری‌ها از نظر فیزیولوژی گشود (کابانس ۲۷). همچنین ظهور علم روانشناسی توسط فروید^۴ برگ زرینی را به تاریخ پزشکی افزود.

این سخن را بسیار شنیده‌ایم که طبیب و شاعر هر دو مرهمی بر زخم‌های مردم هستند. طبیب جسم را و شاعر روح را درمان می‌کند. اگر کمی در تاریخ جستجو کنیم به نام نویسندگانی بر می‌خوریم که هم‌زمان طبیب و اهل ذوق و ادب بودند. از سرشناس‌ترین پزشک/نویسندگان جهان می‌توان به آنتوان چخوف^۵ و لویی فردینان سلین^۶ اشاره کرد. ادبیات غنی کشورمان، ایران، نیز ستارگانی هم چون استاد شهریار، قیصر امین‌پور و افشین یداللهی دارد که آنان نیز علاوه بر طبابت دستی به قلم داشتند. اینان با توصیف درد و رنج مردم در کتاب‌ها و اشعار خود می‌توانستند ارتباط نزدیکی با مردم برقرار کنند. همچنین مسائلی چون جنون و مرگ ناشی از بیماری علاقه و جذابیت بیشتری را در داستان برای خواننده ایجاد می‌کرد.

4. Freud

5. Antoine Tchekhov

6. Louis-Ferdinand Céline

البته باید خاطر نشان کرد که در دنیای امروز، ادبیات نقش پررنگ‌تری در آرام کردن روان مردم دارد و بحث «ادبیات درمانی»^۷ کشف تازه‌ای است که باید آن را مدیون پیشرفت‌های علوم پزشکی و ادبیات دانست. تقریباً در تمام طول تاریخ ادبیات، نویسندگانی وجود داشتند که بررسی بیماری را نه فقط مخصوص پزشکان، که با رمان‌نویسان نیز مرتبط می‌دانستند و از آن برای پیشبرد داستان‌های خود بهره می‌جستند. بدین‌گونه شاید بتوان گفت پزشکی و بیماری نیز از درون مایه‌های بارز ادبیات قرن ۱۹ فرانسه به شمار می‌آیند. از جمله نویسندگان این قرن که در آثار خود به وفور به این مسائل اشاره کرده‌اند می‌توان به بالزاک، امیل زولا، برادران گنکور^۸ و موپاسان اشاره کرد.

در نزد این نویسندگان، تنها اختلالات سطحی یا بیماری‌های ساده مطرح نبوده است. آنها حتی پا را فراتر نهاده، به مشکلات و معلولیت‌های جسمی شخصیت‌ها نیز پرداخته‌اند. این توصیفات را می‌توان به بهترین شکل ممکن در *کمدی انسانی*^۹ بالزاک مشاهده کرد. از آنجا که بالزاک توجه بسیاری به منابع علمی داشته است نوشتار او را می‌توان به عنوان شکل جدیدی از داستان‌نویسی به شمار آورد که الگوی مهمی را برای نویسندگان نیمه‌ی دوم قرن ۱۹ فراهم ساخت.

اما بالزاک تنها نویسنده‌ای نبود که به مسائل علمی توجه داشت. پس از او، امیل زولا نویسنده‌ی سرشناس قرن ۱۹ و پایه‌گذار مکتب ناتورالیسم نیز در مجموعه آثار خود، توصیفات دقیقی راجع به سلامت شخصیت‌های داستان‌هایش ارائه می‌دهد. به این ترتیب او می‌خواهد با توصیف شرایط نامطلوب محیط زندگی افراد و ضعف جسمانی آنها برای خواننده، ضمن زیر سوال بردن جامعه و توانگران و حاکمان آن، این مشکلات را نتیجه‌ی فقر مفرط و کار کردن در شرایط سخت، مشکلات خانوادگی، اجتماعی و ... نشان بدهد. به عنوان مثال، *ژرمینال*^{۱۰}، مهم‌ترین اثر او، خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که تک تک اعضای آن، علی‌رغم تحمل تمامی شرایط سخت و طاقت فرسای کار و زندگی، با بیماری‌های گوناگون جسمی نیز دست و پنجه نرم می‌کند. از همان صفحات ابتدای رمان، خواننده متوجه می‌شود که پدر بزرگ خانواده بی‌وقفه سرفه می‌کند و از مشکلات ریوی و رماتیسم رنج می‌برد. پدر خانواده، ماهو^{۱۱}، علاوه بر بیماری آسم، آرتروز زانو نیز دارد. دختر

7. Traitement littéraire

8. Les frères Goncourt

9. Balzac, Honoré de. 1976. *Comédie Humaine*. Paris : Gallimard

10. Zola, Emile. 1982. *Germinal*. Paris : Fasquelle

11. Maheu

بزرگ او کاترین^{۱۲} دچار کم‌خونی و رنگ پریدگی است. چنین توصیفات برای دیگر اعضای این خانواده و نیز اغلب شخصیت‌های رمان وجود دارد. به گونه‌ای که از خلال این اثر به جرات می‌توان زولا را به نوعی پاتولوژیست معدنچیان دانست. البته نباید فراموش کرد که نویسندگانی همچون زولا، با توجه به تعهدشان نسبت به مکتب ناتورالیست، اغلب به جنبه‌های منفی زندگی انسان‌ها و مشکلات آنها در آثار خود اشاره می‌کنند.

موپاسان، نیز همچون دیگر هم عصران خود، به خصوص دوست و استادش زولا، به کتاب‌های علمی، به ویژه پزشکی، علاقه‌ی خاصی نشان می‌داد و سعی می‌کرد تا اطلاعات پزشکی‌اش را برای نگارش داستان‌هایش افزایش دهد. اما برخلاف بالزاک و یا حتی امیل زولا، موپاسان معمولاً بیماری‌ها را با جزئیات توصیف نمی‌کند.

علاوه بر بیماری‌ها، طبیعت نیز نقش انکارناپذیری در تفکرات و خیال پردازی‌های او دارد. به طوری که او تقریباً بیش از دیگر نویسندگان این عصر به توصیف طبیعت پرداخته است. علاوه بر این پیش از آنکه موپاسان به سن دوازده سالگی برسد پدر و مادرش از هم جدا شدند و سرپرستی او به مادرش داده شد. اما به دلیل اختلالات عصبی و وسواس شدیدی که مادرش داشت تنها جایی که موجب آرامش نوجوان افسرده می‌شد طبیعت مناطق روستایی و کشتزارهای با طراوت آنجا بود. موپاسان در جنگی که میان پروس و فرانسه در گرفت راهی جبهه‌های جنگ شد و بذر کینه‌ای که تجربه‌ی تلخ جنگ در دلش کاشت دوباره او را غرق در غم کرد. در این دوره نیز آرامش طبیعت، به ویژه قایقرانی در رود سن، مرهم دردهایش شد. افراط در کار نویسندگی (نگارش بیش از سیصد داستان کوتاه و شش رمان) باعث شد تا موپاسان کم‌کم به مشکلات روحی فراوانی دچار شود و به مصرف مسکن‌ها و داروهای قوی روی آورد و سپس به اتر معتاد شود.

در آثار موپاسان تاثیر بیماری‌ها بر رفتار و واکنش‌های شخصیت‌های داستان بسیار آشکار است. حتی مطالعه برخی از داستان‌های او نیز ما را به این نکته رهنمون می‌سازد. لذا در این مقاله از خلال چهار داستان کوتاه و یک رمان از این نویسنده به بررسی تاثیر بیماری‌ها بر رفتار شخصیت‌ها می‌پردازیم.

همچنین سعی خواهیم داشت که این مطالعه‌ی اجمالی تا حد امکان اغلب زمینه‌های

12. Catherine

پزشکی همچون پاتولوژی، فیزیولوژی و حتی روانپزشکی را نیز در برگیرد. لذا مقاله حاضر بر آن است تا از خلال بررسی بیماری‌های جسمی و اختلالات روحی روانی چند تن از قهرمانان داستان‌های او، به اهمیت بیمار و بیماری در نزد این نویسنده و رابطه آن با زندگی وی بپردازد.

بحث و بررسی

بامطالعه و بررسی آثار موپاسان، به ویژه آثار مذکور، می‌توانیم بیماری‌های شخصیت‌های داستان‌ها را به دو دسته بیماری‌های جسمی و روحی تقسیم کنیم:

۱- بیماری‌های جسمی:

اولین برف^{۱۳}

در اولین برف، موپاسان داستان شخصی را روایت می‌کند که به بیماری جسمی خاصی مبتلا شده است و همین بیماری موجب مرگ او نیز می‌شود. در این داستان، نویسنده داستان زوجی را روایت می‌کند که تقریباً چهار سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد و از وضعیت مالی بسیار خوبی نیز برخوردار هستند. پزشک به آنها گفته است که هرگز بچه‌دار نمی‌شوند. نویسنده هرگز دلیل این بیماری را ذکر نمی‌کند. خواننده نمی‌داند که مشکل مربوط به کدام یک از زوجین است و از کم و کیف مسئله نیز ناآگاه است. اما این مشکل زندگی خوب و آرام آنها را دست خوش تغییر نمی‌کند. پس از مدتی زن تصور می‌کند شوهرش نسبت به او و خواسته‌هایش بی‌تفاوت است. به همین دلیل برای جلب توجه همسرش سعی می‌کند تا خود را به گونه‌ای بیمار کند: با لباس‌های نازک و با پای برهنه در برف قدم می‌زند و برای حفظ سلامتی‌اش هیچ تلاشی نمی‌کند تا دل شوهرش به رحم آید و خواسته‌ی او را اجابت کند اما به ذات‌الریه سختی مبتلا می‌شود و در پی همین بیماری جان خود را از دست می‌دهد. او از اینکه سرانجام توانسته است در آخرین روزهای زندگی شوهرش را مطیع خود سازد احساس خوشبختی می‌کند.

موپاسان این داستان کوتاه را با توصیف یک روستای زیبا و آرام آغاز می‌کند. در ابتدای داستان، نویسنده خواننده را به شدت غافلگیر می‌کند و به ریه‌های بیمار قهرمان داستان تنها اشاره مختصری دارد. در ادامه‌ی داستان، علایم بیماری را دقیق‌تر شرح

13. Maupassant, Guy de. 1987. *Contes et Nouvelles (Première neige)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.

می‌دهد و پس از آن به بیماری ذات‌الریه اشاره می‌کند. خستگی و نفس زدن‌های زود به زود و سرفه کردن‌های پی در پی تصویرسازی نویسنده از زن بیمار است. این سرفه‌ها گاهی به حدی زیاد است که طبق اظهارات خود او انگار می‌خواهد سینه‌اش را از هم بشکافد (موپاسان ۴۳). او حتی چهره‌ی رنگ پریده و انگشتان لرزان آن فرد را توصیف می‌کند که حاکی از ضعف شدید جسمانی اوست (همان ۴۰). نکته بسیار جالب داستان این است که بیمار هرگز دوست ندارد بهبودی بیابد و معالجه شود. دلیل این مسئله این است که او سلامتی‌اش را به خطر می‌اندازد تا با بیمار نشان دادن خود، بتواند توجه همسرش را به خود جلب کند.

البته در این داستان (همچون اغلب داستان‌های دیگر موپاسان)، استفاده از کلمات تخصصی پزشکی بسیار محدود است. واژگانی که به توصیف علائم بیماری اختصاص داده شده به گونه‌ای انتخاب شده است که وارد عمق آن نمی‌شود و فقط به نوع بیماری اشاره‌ی مختصری می‌کند و به بیماری از نگاه خاص پزشک نگریسته نمی‌شود.

ادبیات آب درمانی^{۱۴} در مونت اوریول^{۱۵}

وجود ذخایر گسترده‌ی طبیعی، همچون لجن، شن و چشمه‌های آب گرم معدنی (پزشکی مکمل)^{۱۶} انسان‌ها را به این فکر واداشت تا به منظور درمان از این منابع استفاده کنند. در قرن ۱۹ و به دنبال گسترش علم طب و به توصیه پزشکان به استفاده از چشمه‌های آب گرم برای بهبود بیماری‌ها و به ویژه بهبود شرایط بیمار در دوران نقاهت، قشر عظیمی از مردم به این شیوه‌ی درمانی روی آوردند. تاثیرات درمانی آب گرم و تاثیرات شیمیایی آن بر بیماری‌ها به حدی بود که پزشکان علاوه بر درمان بیماری‌های جسمی اشخاص برای بهبود بیماری‌های عصبی و مشکلات روحی و روانی نیز از آن بهره می‌گرفتند. البته اغلب افرادی که از آب گرم استفاده می‌کردند از درباریان و طبقه‌ی اشراف جامعه بودند. به این ترتیب ادبیات درباری نوع شاخص آثار این زمان محسوب می‌شود.

موپاسان و برخی از نویسندگان قرن ۱۹ هم چون میرابو^{۱۷} (با نگارش رمان

14. Littérature Thermale

15. Maupassant, Guy de. 1956. *Mont-Oriol*. Paris : Albin Michel

16. La Médecine Complémentaire

17. Mirabeau

۲۱ روز یک بیمار روانی^{۱۸}) در زمینه‌ی ادبیات آب درمانی آثاری (تخیلی یا واقعی) نوشته‌اند که این خود گواه بر تاثیر مثبت و شفابخش طبیعت بر نویسندگان این دوره است. البته نگاه نویسندگان مختلف به این پدیده با یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال میرابو داستان‌ها را فضای مناسبی می‌داند تا تنفر خود را از جامعه‌ی بورژوازی بیان کند. اما در آثار موپاسان نوعی نگرش اقتصادی و اجتماعی به چشم می‌خورد. از آنجا که موپاسان خود شخصی باده‌گسار و عیاش بود، همواره با بیماری‌های مختلفی همچون سیفلیس دست و پنجه نرم می‌کرد. در سال ۱۸۸۵، درست زمانی که به چشمه‌ی آب گرم اوورن^{۱۹} می‌رفت، با تاثیرات درمانی آب گرم آشنا شد و در سال ۱۸۸۶ رمان **مونت اوریول** که معروف‌ترین اثر او در این ادبیات است را به رشته‌ی تحریر در آورد. موپاسان در این زمینه چندین رمان دیگر از جمله رمان یک پیرمرد^{۲۰} را نیز نوشته است.

مونت اوریول (۱۸۸۶) داستان چشمه آب گرم تخیلی (به همین نام) را روایت می‌کند که در منطقه‌ی اوورن قرار دارد. قهرمان داستان، به نام آندرمات^{۲۱}، یک بانکدار یهودی است که پس از کشف تصادفی یک چشمه‌ی آب گرم، می‌خواهد منطقه‌ای توریستی - اقتصادی در آنجا احداث کند. موپاسان، به واسطه‌ی قهرمان داستان، تصویر متفاوتی را از این جامعه برای خواننده ترسیم می‌کند که حاکی از نگاه منتقدانه‌ی اوست.

باید خاطر نشان کرد که نام **مونت اوریول** کاملاً تخیلی است. البته بقیه نام‌های استفاده شده در این اثر واقعی هستند. توصیف مکان و مناطق اطراف آن بسیار شبیه به شاتل گییون^{۲۲} (نام مکانی با چشمه‌های آب گرم) است که موپاسان مدتی در آنجا اقامت داشته و احتمالاً منبع الهام نویسنده برای خلق این مکان غیرواقعی است.

مسئله‌ی سو استفاده‌های مالی از بیمارانی که به چشمه‌های آب گرم می‌رفتند نیز مسئله دیگری است که توجه موپاسان را به خود جلب می‌کند. او از این موضوع به شارلاتانیسم^{۲۳} (حقه بازی) پزشکی یاد می‌کند (ساجدی ۵۳).

18. Mirabeau. 1901. *Les vingt et un jours d'un neurasthénique*. Paris : Charpentier

19. Auvergne

20. . Maupassant, Guy de.1987. *Contes et Nouvelles (Un vieux)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade

21. Andermatt

22. Châtel-Guyon

23. Le Charlatanisme

۲- بیماری‌های روحی و روانی و جنون

بیماری روحی و روانی، اصطلاح گسترده‌ای برای توصیف طیفی از بیماری‌های روانی است که در آن اغلب توانایی تفکر و رفتارهای عادی و عکس‌العمل‌های مناسب در مواجهه با مسائل روزمره زندگی از شخص گرفته می‌شود.

به جرات می‌توان گفت که بیماری‌های روانی یکی از معضلات و مشکلات جوامع امروزی است. البته این بیماری‌ها همواره در اجتماعات بشری وجود داشته است. اما کثرت بیماری‌های روانی در گذشته به شدت امروز نبوده است. زیرا در عصر حاضر مشکلات و عوامل منفی بسیاری وجود دارند که بر سلامت روح و روان فرد تاثیر می‌گذارند. این نکته قابل تامل است که تنها بیماری‌های جسمی برای فرد مشکل ساز نمی‌شوند. بلکه بیماری‌های روحی و روانی نیز می‌تواند سلامت فرد را به طور جدی به خطر بیاندازد و حتی پیامدهای ناگواری برای شخص و جامعه در پی داشته باشد. در کشورهای مختلف جهان مشکلات روحی و روانی از درون مایه‌های مهم آثار ادبی هستند. از جمله این آثار می‌توان به رمان‌های غیرفرانسوی نظیر داستان‌های یک پزشک جوان^{۲۴} اثر بولگاکف، کوری^{۲۵} اثر ساراماگو و نیز رمان‌های فرانسوی همچون مادام بوواری^{۲۶} اثر گوستاو فلوبر، چرم ساغری^{۲۷} اثر اونوره دو بالزاک و آسوموار^{۲۸} اثر امیل زولا اشاره کرد.

قهرمانان داستان‌های موپاسان نیز اغلب از بیماری‌های روانی رنج می‌برند. موپاسان خود نیز، علاوه بر بیماری‌های جسمانی نظیر سیفلیس، از میگرن حاد و دردهای عصبی و توهمات باطل نیز رنج می‌برد که باید ریشه‌ی آنها را از نظر وراثتی^{۲۹} بررسی کرد. او برای رهایی از این مشکلات به مواد مخدر روی آورد و در مصرف الکل افراط می‌کرد. در داستان کوتاه یک چلیک کوچک^{۳۰} موپاسان داستان پیرزنی را روایت می‌کند که علی‌رغم کهولت سن از سلامت کامل جسمانی برخوردار

24. Boulgakov, Michael. 1996. *Récits d'un jeune médecin; nouvelles*. Paris : Le livre de poche

25. Saramago, José. 1997. *Aveuglement*. Paris : Seuil

26. Flaubert, Gustave. 1972. *Madame Bovary*. Paris: Gallimard

27. Balzac, Honoré de. 1972. *La peau de chagrin*. Paris : Hachette

28. Zola, Emile. 1981. *L'Assommoir*. Paris : Fasquelle

۲۹. مادر موپاسان گوآتر و میگرن اگزوفتالمیک داشت و به بیماری روانی هیستری مبتلا بود. اوسرانجام خودکشی کرد. برادر کوچک او نیز در حالت جنون درگذشت (ریکتی ۱۲).

30. Maupassant, Guy de. 1987. *Contes et Nouvelles (Un petit fût)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade

است. اما در پی جریاناتی به الکل معتاد می‌شود؛ به همین دلیل سلامتتش را از دست می‌دهد و پس از مدت کوتاهی می‌میرد. موضوع داروهای آرام‌بخش و اعتیاد به آن دست مایه‌ی نگارش کتاب **رویایا**^{۳۱} شد و نویسنده در این کتاب به تعریف و تمجید این داروها پرداخت.

وی همچنین در کتاب **هورلا**^{۳۲} به تاثیر مثبت داروهای آرام‌بخش (موپاسان ۱۰) و برومور دو پتاسیم^{۳۳} اشاره می‌کند. ضعف اعصاب و افسردگی موپاسان او را به حدی با مشکل رو به رو ساخت که وی چندین بار دست به خودکشی زد و سرانجام در حال نیمه جنون جهان را ترک کرد. تشریح و توصیف توهمات و این مشکلات روانی به بهترین شکل در **رمان هورلا** آمده است.

هورلا

در سراسر این کتاب نوعی بی‌ثباتی در رفتار قهرمان داستان، یا بهتر است بگوییم **ضدقهرمان**^{۳۴}، مشهود است. او گاهی همه چیز و همه کس را ستایش می‌کند و گاهی بی‌هیچ دلیلی کاملاً غمگین و افسرده است. محیط خارج از خانه و به طور کلی طبیعت را دوست دارد و از آن شادمان می‌شود ولی همواره نگران است و با خود فکر می‌کند که بدبختی در خانه انتظارش را می‌کشد.

برخلاف بیمارانی که از مشکلات روانی رنج می‌برند و همواره خود را سالم می‌پندارند (و حتی از رفتن به نزد پزشک نیز خودداری می‌کنند) شخص اول داستان از همان ابتدا خود اذعان می‌کند که تب دارد و بیمار است (همان ۱۰) و با پزشک خود نیز مشورت می‌کند. بیماری او از نظر جسمی و هم از نظر روانی برایش مشکل ساز شده است (همان ۳۲). او که تصور می‌کند موجودی نامرئی همواره در خانه‌اش پرسه می‌زند، شب‌ها خواب را از چشمانش می‌گیرد و قصد جان او را کرده است سعی دارد

31. Maupassant, Guy de. 1987. Contes et Nouvelles (Les rêves). Paris : Bibliothèque de la Pléiade

۳۲. *Horla*. عنوان این کتاب به زبان فارسی توسط شیرین‌دخت دقیقیان هورلا ترجمه شده و محمدعلی عمرانی آن را به بختک ترجمه کرده است (موپاسان، گی دو. ۱۳۷۷. هورلا. شیرین دخت دقیقیان. تهران: چشمه و موپاسان، گی دو. ۱۳۸۱. تنهایی. محمدعلی عمرانی. تهران: هیرمند).

۳۳. Bromure de Potassium: برومور دو پتاسیم دسته‌ای از داروها است که اثر تعدیل‌کننده ملایمی روی دستگاه عصبی مرکزی دارد. پیش از این برای بیماری صرع و امروزه بیشتر در بی‌خوابی عصبی، بی‌قراری و گاه همراه با کلرال (Chloral) به کار می‌روند (دورلند ۴۲).

۳۴. از آنجا که این شخص سرانجام مغلوب می‌شود و خودکشی می‌کند بهتر است از عبارت ضدقهرمان استفاده کنیم.

با به آتش کشیدن خانه‌ی خود او را نابود کند. اما پس از انجام این کار قانع می‌شود که او نمرده است و سرانجام تصمیم می‌گیرد خودش را بکشد (مالریو ۵۴).

از آنجا که موپاسان توصیف بسیار دقیق و بی‌کم و کاستی راجع به قهرمان داستان ارائه می‌دهد ممکن است بتوانیم این فرضیه را مطرح کنیم که خود موپاسان نیز در هنگام بیماری درست از همین دردها و مشکلات رنج می‌برده است و به همین جهت است که او این مشکلات را به خوبی می‌شناسد و توصیفشان می‌کند. در این داستان توهمات به بهترین شکل وصف شده است. قهرمان داستان با خود می‌پندارد که کسی در اتاق خوابش حضور دارد، کتابش را ورق می‌زند و حتی از غذایش می‌خورد. سبک موپاسان در این کتاب بسیار روایی و طرح داستان بسیار قوی است. این رمان همچون سایر کتاب‌های موپاسان، دارای آغازی آرام است. اما موضوع کم‌کم جدی می‌شود و در آخرین سطرها به اوج خود می‌رسد. در این رمان، راوی اول شخص است. تاکید بر استفاده از ضمیر «من» به نوعی نشانه‌ی تمرکز نویسنده بر خویش است. او به دنبال این است که از دیگران جدا باشد و این خود حاکی از انزوا طلبی و افسردگی فرد است.

در قرن ۱۹ به دنبال تلاش‌های ژان - مارتین شارکو^{۳۵} برای معرفی هیپنوتیزم عده‌ی زیادی از مردم عادی به این پدیده علاقه‌مند شدند و نویسندگان در داستان‌های خود از تاثیرات شگفت‌انگیز آن سخن به میان می‌آوردند (ژانت ۲۷). موپاسان نیز در داستان *هورلا* پزشکی را معرفی می‌کند که آزمون‌های هیپنوتیزم و تلقین را انجام می‌دهد و با خواب کردن روح انسان‌ها ارزشمندترین رازهای گیتی را در می‌یابد و می‌تواند از بیمار خود بخواهد تا هر کاری را برایش انجام دهد (موپاسان ۲۲). البته نظریات فروید نیز بر کار نویسندگان زمان خود به حدی تاثیرگذار بوده که تفکیک نظریه‌های پزشکی از موضوع داستان کاری بس دشوار به نظر می‌آید. همچنین مفهوم و تاثیر خواب و رویا بر این رمان بسیار مشهود است.

تخیلات موپاسان نتیجه‌ی دلهره‌ی اوست. او همواره از چیزی هراسان است که برایش ناشناخته است. در داستان *هورلا* او پی در پی به ترس قهرمان داستان از تنهایی اشاره دارد (همان ۳۲). پیش از این به شباهت‌های قهرمان داستان با خود نویسنده اشاره شد. در برخی از آثار او ترس برایش به منزله‌ی نوعی تهدید محسوب می‌شود

35 Jean-Martin Charcot.

(هراس)^{۳۶} که شکل تکامل یافته‌ی آن را می‌توان در داستان‌های آن مرد^{۳۷} و نامه‌ی یک دیوانه^{۳۸} مشاهده کرد. در چندین رمان دیگر، از جمله قوی هم چون مرگ^{۳۹}، نویسنده به ترس قهرمان داستان از مرگ و دنیای ماورا آن اشاره می‌کند. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که مضامینی همچون جنون، توهم و روان پریشی از جمله موضوعات اصلی آثار نویسنده می‌باشند. در اغلب داستان‌های موپاسان شب و تنهایی موقعیت مناسبی برای خیال پردازی قهرمانان فراهم می‌آورد و پس از آن نویسنده داستان را در شرایط دلهره‌آور خاصی ادامه می‌دهد. (لاگارد و میشارد ۴۹۷).

نتیجه‌گیری

موپاسان همواره داستان را آینه‌ی تمام نمای زندگی انسان‌ها می‌داند. وی برای به تصویر کشیدن رنجی که مردم می‌کشند از موضوعات خاصی نظیر عشق، خیانت، فقر و بیماری، ترس و جنون و از این دست استفاده می‌کند. بی‌شک انتخاب چنین مضامینی نیازمند توضیح و توصیفات بسیار زیاد است. اما موپاسان با چیره‌دستی تمام احساسات خواننده را درگیر می‌کند و او را با قهرمان داستان همراه می‌سازد. او داستان کوتاه را درست به این دلیل انتخاب می‌کند که بتواند در چندین صفحه به سرعت نتیجه‌گیری کند و از این رو تاثیر بیشتری روی خواننده بگذارد.

طبق آنچه که گفته شد موپاسان این‌گونه می‌اندیشد که انسان‌ها زندانی بیماری‌های خود و قفس تن هستند. شاید بتوان گفت که این مسئله نیز بی‌ارتباط با بدبینی و منفی‌بافی موپاسان نمی‌باشد. نگاه پوچ‌گرایانه‌ی او حاکی از این مطلب است. بنابر این به نظر می‌رسد که هنوز هم می‌توان تحلیل‌های جدیدی راجع به بیماری‌ها و تاثیرات آن بر اشخاص ارائه کرد.

36. Maupassant, Guy de. *Contes et Nouvelles (La peur)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade

37. Maupassant, Guy de. 1987. *Contes et Nouvelles (Lui?)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade

38. Maupassant, Guy de. 1987. *Contes et Nouvelles (Lettre d'un Fou)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade

39. Maupassant, Guy de. 1956. *Fort comme la Mort*. Paris : Albin Michel

منابع

- بالزاک، اونوره دو. چرم ساغری. ترجمه م. ا. به آذین. تهران: ناهید، ۱۳۸۲.
- دورلند، ویلیام الگزاندر نیومن. فرهنگ پزشکی دورلند. ترجمه بهرام قاضی جهانی. تهران: قاضی جهانی، ۱۳۸۷.
- ریکتی، جان. گی دو موپاسان. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: کهکشان، ۱۳۷۷.
- زولا، امیل. ژرمینال. سروش حبیبی. تهران: نیلوفر، ۱۳۸۴.
- ساجدی، طهمورث. گی دو موپاسان در ایران. تهران: پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۵، صص ۴۷-۶۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- موپاسان، گی دو. تنهایی. ترجمه محمدعلی عمرانی. تهران: هیرمند، ۱۳۸۱.
- موپاسان، گی دو. هورلا. شیرین‌دخت دقیقیان. تهران: چشمه، ۱۳۷۷.
- Balzac, Honoré de. 1976. *Comédie Humaine*. Paris : Gallimard.
- ---. 1972. *La peau de chagrin*. Paris : Hachette.
- Boulgakov, Michael. 1996. *Récits d'un jeune médecin; nouvelles*. Paris : Le livre de poche.
- Cabanès, Jean-Louis. 1991. *Le corps et la maladie dans les récits réalistes*. Paris: Klincksieck.
- Flaubert, Gustave. 1972. *Madame Bovary*. Paris : Gallimard.
- Janet, Pierre. 2004. *Conférences à la Salpêtrière suivies de L'œuvre psychologique de Charcot*. Paris : Le Harmattan.
- Lagarde, André et Michard, Laurent. 1965. *Lagarde et Michard*. Paris : Bordas.
- Malrieu, Joël. 1996. *Le Horla de Guy de Maupassant*. Paris : Gallimard.
- Maupassant, Guy de. 1987. *Contes et Nouvelles (La peur)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.
- ---. 1987. *Contes et Nouvelles (Les rêves)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.
- ---. 1987. *Contes et Nouvelles (Lettre d'un Fou)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.
- ---. 1987. *Contes et Nouvelles (Lui?)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.
- ---. 1987. *Contes et Nouvelles (Première neige)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.
- ---. 1987. *Contes et Nouvelles (Un petit fût)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.
- ---. 1987. *Contes et Nouvelles (Un vieux)*. Paris : Bibliothèque de la Pléiade.
- ---. 1956. *Fort comme la Mort*. Paris : Albin Michel.
- ---. 1955. *Le Horla*. Paris : Albin Michel.
- ---. 1956. *Mont-Oriol*. Paris : Albin Michel.
- Mirabeau. 1901. *Les vingt et un jours d'un neurasthénique*. Paris : Charpentier.
- Saramago, José. 1997. *Aveuglement*. Paris : Seuil.
- Zola, Emile. 1981. *L'Assommoir*. Paris : Fasquelle.
- ---. 1982. *Germinal*. Paris : Fasquelle.